

موضوع: ولایة المرأة علی القضاء

جلسه دوازدهم / ۴ آبان ۱۴۰۱

استاد علی اکبر سیفی مازندرانی

استدلال مدعیان ولایت و قضاوت زن به روایات

روایت اول «: ومنه: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إياك ومشاورة النساء إلا من جربت بكمال عقل، فان رأيهن يجر إلى الافن، وعزمهن إلى وهن، وقصر عليهن حجبهن فهو خير لهن، وليس خروجهن بأشد عليك من دخول من لا يوثق به عليهن، وإن استطعت أن لا يعرفن غيرك فافعل [1].

از مشاوره با نساء بر حذر باشید زیرا نتیجه رأی آنها فاسد است و پای تصمیم خود نمی ایستند و عزمشان سست است مگر زنی که کمال عقل او را تجربه کرده باشید. حضرت می فرماید بعد از تجربه، جایز است که با نساء مشورت کنید، مدعی می گوید پس این زن صلاحیت قضا دارد!

جواب: این روایت نظر به باب قضا ندارد، و وقتی در ابتدا منع از مشورت می کند پس از استثناء، جواز مشورت را می رساند و بیشتر از مشورت را نظر ندارد. سند این روایت هم ضعیف است.

2-روایت دوم: خبر مصادف؛ ایشان خودش هم ضعیف است

وعنه، وعن الحسين (الحسن) اللؤلؤي، عن الحسن بن محبوب عن مصادف قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام أتجج المرأة عن الرجل؟ قال نعم إذا كانت فقيهة مسلمة، وكانت قد حجت رب امرأة خير من رجل [2].

از امام علیه السلام سئوال شده است که آیا زن می تواند به جای مرد، حج را بجا بیاورد؟ حضرت فرموده اگر مسلمان باشد و مسائل حج را بداند و سابقه حج هم داشته باشد بله می تواند نائب باشد. ...

مستدل به « رب امرأة خير من رجل » استدلال می کند که حضرت یک کبرای کلی بیان کرده که چه بسا زنانی که از مردان بهترند، و این بهتر بودن اطلاق دارد و هر جهت را شامل می شود لذا زن می تواند شایستگی داشته باشد در امر قضا و حکومت ورود کند و قاضی شود.

جواب: سند این روایت ضعیف است. این روایت نظر دارد به مساله حج، به قرینه مناسبت حکم و موضوع؛ زیرا سائل از نیابت عمل حج سوال پرسیده بود و در نیابت حج، حضرت فرمود چه بسا یک زن به مساله آگاهتر باشد و تجربه حج را داشته باشد.

اما اینکه زن بهتر از مرد باشد در هر جهت باشد، علم و قطع داریم اینگونه نیست، و این مناسبت حکم و موضوع مانع تشکیل اطلاق و عموم این کبری می شود و به آن ظهور می دهد که در مورد اتیان مناسک حج است و چه بسا زنانی در زمینه اتیان حج بهتر از مردان باشد و قدر متیقن از این روایت این است و بلکه شاید انصراف هم داشته باشد زیرا مساله حکومت و قضا امر مهمی است و از این متن برداشت نمی شود.

پس این روایت هم از جهت سند و هم از جهت دلالت دارای اشکال می باشد. البته شاید بتوان از این روایت برای سایر عبادیات که زن امکان اتیان داشته باشد استفاده کرد که در آنجا هم زن می تواند از مرد نیابت داشته باشد مثلا در نماز میت و نماز استیجاری و نظیر ذلک، زنی که مسلم است و قرائت صحیح دارد بهتر از مردی است که سواد ندارد یا قرائت درستی ندارد.

\*اینکه مشهور هم به این روایت در جواز نیابت فتوا داده اند ضعف سند آن در حیطة فتوای مشهور صحیح می کند لذا مدلول آن توسعه نمی یابد که در قضا و حکومت هم سریان پیدا کند.

البته ظهور هم در جواز قضا و حکومت ندارد تا با تصحیح سند بتوان جواز قضا را اثبات کرد.

### روایت سوم:

«وباسناده عن ابن محبوب، حدثنا عبد الرحمن بن الحجاج، عن أبي الحسن موسى عليه الصلاة والسلام، قال: كان في بني إسرائيل رجل صالح، وكان له امرأه صالحه، فرأى في النوم ان الله تعالى قد وقت لك من العمر كذا وكذا سنة، وجعل نصف عمرك في سعه، وجعل النصف الاخر في ضيق، فاختر لنفسك اما النصف الاول واما النصف الاخير، فقال الرجل: ان لي زوجه صالحه وهي شريكتي في المعاش، فاشاورها في ذلك وتعود إلي فاخبرك، فلما اصبح الرجل قال لزوجته: رأيت في النوم كذا وكذا، فقالت يا فلان: اختر النصف الاول وتعمل العافية لعل الله سيرحمنا ويتم لنا النعمة. فلما كان في الليله الثانيه اتى الاتي، فقال: ما اخترت؟ فقال: اخترت النصف الاول، فقال: ذلك لك، فاقبلت الدنيا عليه من كل وجه، ولما ظهرت نعمته قالت له زوجته: قربتك والمحتاجون فصلهم وبرهم وجارك واخوك فلان فهبهم، فلما مضى نصف العمر وجاز حد الوقت رأى الرجل الذي رآه اولاً في النوم، فقال: ان الله تعالى قد شكر لك ذلك ولك تمام عمرك سعه مثل ما مضى [3]»

مردی صالح از بنی اسرائیل که زن صالحی داشت در خواب دید که منادی به او می گوید: که تا چند سال دیگر بیشتر زنده نمی مانی و خداوند تقدیر قرار داده نصف عمرت را در توسعه مالی و راحتی، و نصف دیگر را در ضیق قرار دهد پس تو انتخاب کن که اول نصف راحتی را داشته باشی یا نصف دوم در راحتی باشی، مرد می گوید که زنی دارم که با او همیشه مشورت می کنم بزار با او مشورت کنم، بعد دوباره بیا تا نتیجه مشورت را بازگو کنم، مرد خوابش را برای زن تعریف می کند زن می گوید راحتی را در نصف اول عمرت برگزین شاید با آن مال، بذل و بخشش کنی تا خدا بخاطر آن رحم کند و نصف دیگر عمرت را خدا در راحتی قرار دهد و تقدیرت عوض شود، مرد این را به منادی منتقل می کند پس دنیا به او رو می آورد و مرد اول به نزدیکان و فقرا و ... اموالی را می بخشد و نیکی می کند، بعد از اینکه نصف عمر در آسایش گذشت مرد در خواب می بیند و منادی به او می گوید خدا از تو تشکر می کند و تمام عمرت را در توسعه و راحتی می گذرانی!

\*مستدل می گوید که این مرد با مشورت این زن به سعادت رسید لذا شایستگی دارد و می تواند قاضی و حاکم باشد.

**جواب:** بطلان این استدلال واضح و روشن است این مشورت و صالح بودن زن، ربطی به مساله قضاوت و حکومت ندارد.

#### روایت چهارم:

حمد بن هوذة عن النهاوندي عن عبد الله بن حمّاد الأنصاري عن ابن بكير عن حمران عن أبي جعفر (عليه السلام) أنه قال: **كأنني بدينكم هذا لا يزال مولياً يفحص بدمه ثم لا يرده عليكم، إلا رجلاً منّا أهل البيت فيُعطيكم في السنة عطاءين و يرزقكم في الشهر رزقين و تؤتون الحكمة في زمانه، حتى أنّ المرأة لتقضي في بيتها بكتاب الله تعالى و سنة رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم)** [4]».

**امام باقر ع فرمود:** دین شما را می بینم مثل مقتولی که همه بر سر این دین می زنند و در خون خودش غلطان است، آن کسی که به داد دین می رسد حجت بن الحسن است، در سال دو نعمت و در هر ماه دو رزق به شما عطا می کند و حکمت و معرفت زیاد می شود تا اینکه زنها در منزل خودشان بنابر حکم خدا و سنت قضاوت می کند.

به این روایت استدلال کرده اند که پس زن می تواند قاضی شود و حکم دهد.

**جواب:** در این روایت دو راوی مجهول واقع شده اند ضعیف است. البته مضمون این روایت مطابق با روایات متواتر است و اخذ می شود ولی برای اثبات قضاوت برای مرأه نیاز به سند صحیح دارد.

البته از جهت دلالت گفته اند که زن درخانه خودش می نشیند و بین فرزندانش براساس حکم خداوند قضاوت کند و قبل از آن اینگونه نبوده است همانند روایتی که در آخر الزمان علم در شهری به نام قم طلوع می کند و علم به همه عالم می رسد حتی زنها هم استفاده می کنند.

ولی این روایت جواز قضاوت زن را نمی تواند اثبات کند و خصوصیتی هم که گفته شده اختصاص به زمان ظهور دارد و در صورت پذیرفتن قضاوت زن، اختصاص به زمان ظهور و حضور حضرت حجت دارد و قضاوت قبل از ظهور را نفی می کند.

\*روایات دیگر هم است که زنان از اصحاب حضرت حجت هستند و زنان امر مداوا را به عهده دارند و...

**جواب:** این روایات نمی توانند جواز قضاوت را اثبات کنند و در ضمن اینکه اسناد این روایات ضعیف است.

---

[1] بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، العلامة المجلسي، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

[2] وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۸، ص ۱۲۵، أبواب النیابة فی الحج، باب ۸، ح ۷،

ط الإسلامية.

[3] قصص الانبياء، الراوندي، قطب الدين، ج ١، ص ١٨٥.

[4] كتاب الغيبة للنعماني، النعماني، محمد بن إبراهيم، ج ١، ص ٢٣٩.